

## **Constructivist Investigation about Saudi Arabia new Approach in Foreign Policy**

### **New Foreign Policy of Saudi Arabia**

**Mahdi Pirzadi\***

#### **Abstract**

The years after 2011 as final years of King Abdullah's presence in the throne of Saudi Arabia can be considered as years of change in Saudi foreign policy, after which King Salman stabilized and strengthened the new elements that followed Saudi foreign policy Crown Prince Mohammed bin Salman followed the period of development and deepening of this approach. The effects of a change in Saudi Arabia's approach in the Middle East, the Islamic world, and globally is an issue that has been of radar importance to the study. Changes that have new symbols such as the exit from the state of institutional conservatism, open confrontation with Iran and the move towards normalization of relations with Israel, the reasons for Saudi Arabia to adopt these approaches is the second issue that is examined in this study. The reasons for the change in Saudi Arabia's approaches to foreign policy can be expressed in the form of material objective reasons and semantic reasons. Examines them using the analysis of their internal and external situation.

**Keywords:** Foreign policy, Saudi Arabia, Constructivism, Transformation, reforms.

\* PhD student, political science, Imam Khomeini and Islamic Revolution Research Institute,  
m.pirzadi57@gmail.com

Date received: 2021/07/26, Date of acceptance: 2022/05/25



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



## بررسی سازه انگارانه رویکردهای نوین عربستان سعودی در سیاست خارجی

### سیاست خارجی نوین عربستان سعودی

مهدی پیرزادی\*

#### چکیده

سال‌های پس از ۲۰۱۱ میلادی به عنوان سال‌های پایانی حضور ملک عبدالله در مسند پادشاهی عربستان را می‌توان سال‌های تغییر در سیاست خارجی عربستان دانست، پس از آن ملک سلمان تثبیت و تقویت عناصر نوین رخ داده سیاست خارجی عربستان را دنبال نمود، چنانچه با ولیعهدی محمد بن سلمان دوره‌ی توسعه و تعمیق این رویکرد دنبال شد. تأثیرات تغییر رویکرد عربستان در منطقه خاورمیانه، دنیای اسلام و در سطح جهانی موضوعی است که بررسی این موضوع را دارای اهمیت نموده است. از این رو بررسی ماهیت تغییر در سیاست خارجی عربستان موضوع نخست این پژوهش است. تغییراتی که، دارای نمادهای نوینی چون خروج از حالت محافظه‌کاری نهادینه، تقابل علنی با ایران و حرکت به سوی عادی‌سازی روابط با اسرائیل است، دلایل عربستان برای اتخاذ رویکردهای یادشده دومین موضوعی این پژوهش است. دودسته کلی از دلایل تغییر رویکردهای عربستان در سیاست خارجی را می‌توان در قالب دلایل مادی-عینی و دلایل معنایی بیان داشت، از این رو روش مورد استفاده در این پژوهش برگرفته از روش سازه‌انگاری کل گرا خواهد بود، روشی که تغییر در رویکردهای توامان مادی و معنایی کشورها در نظام بین‌الملل را با استفاده از تحلیل وضعیت داخلی و خارجی آن‌ها بررسی می‌کند. روند پژوهش مبتنی بر

\* دانشجوی دکترای تخصصی، علوم سیاسی، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.  
m.perzadi57@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۰۴، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۰۴



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

بررسی روش های سنتی عربستان در سیاست خارجی، تلاش های صورت گرفته در مسیر تغییر در این روش و در نهایت امکانات و چالش های عربستان در رسیدن به اهداف در سیاست خارجی است.

**کلیدواژه‌ها:** سیاست خارجی، عربستان، سازه انگاری، تحول، اصلاح.

## ۱. مقدمه

گستره سیاست خارجی نمایش گر تلاش های کشورها برای حرکت به سوی منافع تعریف شده بر اساس ارزش های اساسی آن هاست، از این رو نوع و میزان تلاش های هر کشور در سیاست خارجی به گونه ای نمایش گر ارزش های اساسی هر کشور، منافع تعریف شده بر اساس ارزش ها و روش هایی است که از سوی کشورها در این راستا اتخاذ می شود، بدین واسطه تغییراتی که در سیاست خارجی کشورها رخ می دهد و در مرحله نخست در روش ها و رویکرد های کشورها در عرصه سیاست خارجی بروز و ظهور می یابد، می تواند نمایش گر تغییر در منافع و ارزش های اساسی هر کشور باشد، بدین واسطه، با بررسی سیاست خارجی هر کشور و تغییرات صورت گرفته در این میدان، می توان تغییرات عمیق تری را پی جویی نمود.

تغییرات صورت پذیرفته در عرصه سیاست خارجی کشورهای خاورمیانه، به عنوان یکی از مهم ترین مناطق جهان از حیث مسائل استراتژیک و ژئوپلیتیک نیز از قانده کلی یاد شده مستثنی نیست، علاوه بر این که سیاست خارجی کشورها در منطقه یاد شده به واسطه میزان بالای منابع موجود در آن، تاثیر سیاست خارجی قدرت های بزرگ بر سپهر سیاست خارجی کشورهای منطقه و وابستگی دو چندان سیاست خارجی کشورهای آن به یکدیگر از پیچیده گی های مضاعفی نیز برخوردار است، تا جایی که بررسی تغییرات رویکردی هر کشور منطقه و علی الخصوص کشورهای مهم و تاثیر گذار در خاورمیانه کاشف از تغییرات رویکردی عمیق تری در کلیت سیاست خارجی منطقه و چه بسا جهان خواهد بود.

عربستان سعودی از جمله کشورهایی است که از وزن بالایی در شکل دهی به سپهر سیاست خارجی در منطقه خاورمیانه برخوردار است، تغییرات در سیاست این کشور که در مراحل پایانی سلطنت ملک فهد شروع و در دوره ی نوین با روی کار آمدن ملک سلمان تداوم یافت و تقویت گردید رامی توان از دو منظر مورد بررسی قرارداد، ابتدا اینکه این

تغییرات تغییرات تاکتیکی، مقطعی و روبنایی ست و دیگر آنکه این تغییرات ریشه ای، عمیق و ماندگار خواهد بود. تا پیش از دوران یاد شده و نمایش تغییرات در سیاست خارجی عربستان سعودی، محافظه کاری شاخصه برجسته در سیاست خارجی عربستان سعودی بود و به عنوان یکی از قدرت های منطقه خاورمیانه و یکی از منابع انرژی در جهان به عنوان کشوری منفعل در سیاست خارجی خارجی شناخته می شد، ساختار های حکومتی غیر چابک، تکیه به کشورهای فرامنطقه ای در سیاست خارجی و اتکاء سیاست خارجی عربستان به منابع مالی حاصل از نفت دلایلی بوده است که سیاست خارجی این کشور را به سمت و سوی انفعال سوق داده و آن را از بازشناسی به عنوان کشوری فعال و اثر گذار در سطوح منطقه ای و جهانی باز داشته بود، نمادهای این رویکرد در سیاست خارجی عربستان را شاید بتوان در ابقاء چهل ساله سعود الفیصل در پست سیاست خارجی عربستان باز شناسی نمود. اما در دوره ی جدید عربستان با تغییر موضع از جایگاه کشوری منفعل، محافظه کار و کند در عرصه سیاست خارجی و تلاش برای معرفی به عنوان کشوری موثر، مستقل و مبتکر در منطقه تلاش نموده است، هر چند نباید در میزان این تغییرات عراق نمود، لیکن قابل انکار نیست که تغییرات در سیاست خارجی عربستان مشهود و ملموس است. بر عهده گرفتن نقش جدی در بحران های سوریه و عراق، دخالت نظامی آشکارا در بحزین و یمن - که علی رقم سابقه دار بودن دارای ابعاد گسترده تری نسبت به سابق است -، تعارض آشکار با جمهوری اسلامی ایران و تلاش بی پرده در جهت عادی سازی روابط با اسرائیل از نمود های آشکار این تغییر رویکرد در سیاست خارجی عربستان است.

دلایل عربستان برای اتخاذ رویکردهای جدید در سیاست خارجی دارای دو جنبه مادی و معنایی به هم پیوسته ست بدین معنا که عربستان در این دوره تلاش دارد تا به با کسب منافع نوین تعریف شده در منافع خارجی خود قدرت منطقه ای خود را افزایش دهد و به گونه ای موازنه قدرت در خاورمیانه که به نفع ایران در حال تغییر بوده است را بازسازی نماید و پیامد این موضوع هویت خود در سیاست خارجی منطقه ای را بهبود بخشد. البته این مهم در نگاه عربستان می تواند دارای مزایایی در عرصه سیاست داخلی نیز باشد، چرا که بهبود جایگاه عربستان در سیاست خارجی که به دنبال کسب منافع این کشور به وقوع خواهد پیوست، مشروعیت نظام سیاسی این کشور در داخل را نیز افزایش خواهد داد. همان گونه که تثبیت هویت نیرومند تر برای این کشور توانایی کسب منافع به گونه ای سهل تر و با هزینه های کم تر را فراهم خواهد ساخت که این موضوع نیز هم در محیط های داخلی

وهم خارجی برای عربستان برگ برنده ارزشمندی خواهد بود. با این حال توانایی‌ها، امکانات و چالش‌های این کشور در تحقق موارد یاد شده موضوعی است که باید به آن توجه نمود.

بازخوانی رویکردهای نوین عربستان در سیاست خارجی، موضوعی است که تشابه‌ها و تمایزهای این رویکرد با وضعیت سنتی سیاست خارجی عربستان را نمایش خواهد داد، این مهم زمینه را برای بررسی اهداف مادی و معنایی عربستان در دوره‌ی جدید سیاست خارجی این کشور و بازیابی تعامل دو سطح یاد شده را فراهم خواهد ساخت، در نهایت امکانات و چالش‌های پیش روی عربستان سعودی برای دستیابی به اهداف یاد شده مساله‌ای است که چرخه و روند تحلیل پیرامون رویکردهای نوین عربستان در سیاست خارجی این کشور را تکمیل خواهد نمود.

## ۲. مبانی نظری

دهه ۵۰ میلادی مقارن با تفکیک رشته روابط بین‌الملل به دوزیرشاخه سیاست بین‌الملل و سیاست خارجی بود، این موضوع که به دنبال ایجاد رویکردهای نوین رفتارگرایی در علوم انسانی به وقوع می‌پیوست، موجب گردید تا دو زیرشاخه یاد شده به گونه‌ای مجزا از یکدیگر رشد و نمو یابند، رشته سیاست بین‌الملل در پی تحلیل‌های کلان از سیستم و سازمان روابط میان بخش‌های فعال در روابط بین‌الملل و عموماً دولت‌ها به عنوان بازیگران اصلی تاکید می‌شد در حالیکه تنها نمودهای بیرونی کارگزاران و دولت‌ها به عنوان جعبه سیاه (Black box) مورد توجه قرار می‌گرفت، در حالیکه در رشته سیاست خارجی دولت‌ها و رفتارهایشان در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای به عنوان کارگزار و تصمیم‌گیرنده بر اساس خصوصیات داخلی کشورها، رویه‌ها و مدل‌های تصمیم‌سازی و حتی افراد تصمیم‌ساز مورد توجه قرار می‌گیرد. (کوبالکوا، ۱۳۹۵). در این راستا دو رویکرد اصلی واقع‌گرایی و لیبرالیسم با زیرشاخه‌ها و مدل‌های توسعه یافته‌شان در سیاست بین‌الملل شکل گرفته و رشد یافتند، و ادبیات تحقیقی حجیمی در چارچوب این دو رهیافت شکل گرفت از سوی دیگر رشته سیاست خارجی نیز به رشد خود با استفاده از رویکردهای مقایسه‌ای (Comparative foreign policy)، تصمیم‌گیری (Decision making) و محیط تصمیم‌گیری (Milieu) ادامه داد، هرچند باید گفت که رشته سیاست خارجی در این دوره

هر چند نه به گونه ای مستقیم همواره در سایه هژمونی تئوریک اندیشه های رایج در رشته سیاست بین الملل بوده است. (مشیر زاده، ۱۳۹۴: ۳۳).

در پایان دهه ۱۹۸۰ میلادی رویکرد علمی نوینی در مجموعه روابط بین الملل مطرح گردید و با سرعت و تواتر قابل توجهی در طرح های پژوهشی مورد استفاده قرار گرفت، این رویکرد که با عنوان سازه انگاری (Constructivism) شناخته می شود، دارای اختصاصات تحلیلی بود که محققین حوزه های روابط بین الملل را برای استفاده ترغیب می نمود، ابتدا اینکه این رویکرد نظری، از مبانی فلسفی و جامعه شناختی استواری بهره می جست که توانایی محققان را برای مد نظر قرار دادن پارامترها و متغیر های گسترده تری در مدل تحلیلی افزایش می داد، در این راستا مسائلی چون فرهنگ، زبان، هویت و ... در پروژه های تحقیقاتی روابط بین الملل به طور گسترده ای راه یافتند، از طرف دیگر سازه انگاری تلاش داشت تا دو حوزه ی تفکیک شده سیاست بین الملل و سیاست خارجی را بار دیگر تلقیق نموده و ادبیات تحقیقی جامع تری را با استفاده از این رویکرد تلفیقی ایجاد نماید.

روند رشد و تبیین رویکرد سازه انگاری در روابط بین الملل شاهد مطرح شدن انواع متنوعی از سازه انگاری با دغدغه ها و توانایی های متعدد بوده است. در این راستا پژوهشگران بسیاری برای ارائه یک طبقه بندی منسجم از جریان های اصلی سازه انگاری ارائه داده اند برای نمونه جان راگی که خود از متفکرین برجسته رهیافت سازه انگاری است سه نوع متفاوت سازه انگاری نئوکلاسیک، پست مدرن و طبیعت گرا را مطرح می نماید و نیز کاتزنشتاین، کوهن و کراسنر سازه انگاری را به انواع متعارف، انتقادی و پست مدرن تقسیم می کنند. (کبالکوا، ۱۳۹۵: ۶۰)

با وجود تقسیم بندی های متنوعی که از رهیافت سازه انگاری صورت پذیرفته است در واقعیت دو نوع از سازه انگاری با بالاترین اقبال در شکل دهی به طرح های تحقیقاتی مواجه گردیده و به نوعی در مقابل یکدیگر بازشناسی شده اند، سازه انگاری سیستمی، هنجار گرا و یا ضعیف (Soft Constructivism) ونت و کاتزنشتاین و سازه انگاری قاعده محور، پست مدرن (Post modern Constructivism) و که نمونه بارز آن را در سازه انگاری نیکلاس اونف و گروه روابط بین الملل دانشگاه میامی می توان پیگیری نمود.

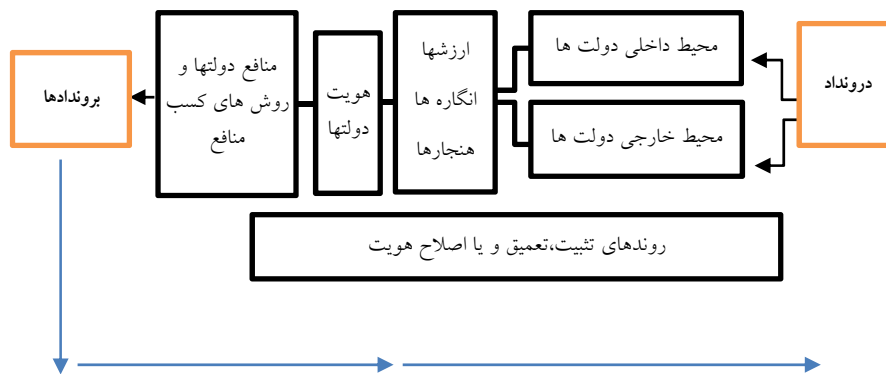
تمایز دو نوع سازه انگاری یاد شده را بیش از هر چیز می باید در تعهد و یا عدم تعهد آن ها به جریان اصلی دانش روابط بین الملل دانست، چنانچه سازه انگاری سیستمی با پذیرش

انگاره های اصلی رایج در تحلیل روابط بین الملل که عموماً وجهی مادی و عینیت گرا دارند تلاش دارد تا با وارد نمودن عناصر و مفاهیم فرامادی چون هویت به بازسازی این نظریات بپردازد، درحالیکه درسازه نگاری پست مدرن چنین راه میانه ای مد نظر قرار نداشته و تلاش در پی ریزی افق تحلیلی بازتری است که می تواند به گونه ای عمیق از جریان اصلی فاصله پیدا نماید. در این رویکرد جهان اجتماعی و به تبع آن جامعه بین الملل به گونه ای عمیق بر ساخته همزیستی، رابطه و زبان است. واز این رو در تحلیل موضوعات در حیطه روابط بین الملل نوعی خاص گرایی و توجه به زمینه های متنی وقایع از اهمیت خاصی برخوردار است. (کوبالکوا، ۱۳۹۵: ۳۳)

در سازه انگاری سیستمی کماکان دولت ها به عنوان جعبه سیاه در تحلیل های سیستم روابط بین الملل مطرح هستند و موضوعات درون دولت ها موضوعاتی مربوط به حوزه ی تحلیل سیاست داخلی پنداشته می شود (ونت، ۱۳۸۴). در صورتی که در سازه انگاری قاعده محور دو حوزه ی داخلی و خارجی کشورها به هم پیوسته و انفکاک ناپذیر تلقی می شود (Smith, 2001)، با این حال شکل دادن به طرح پژوهشی که بتواند هر دو حوزه را مد نظر قرار دهد به واسطه شفافیت و آزمون پذیری انگاره های سازه انگاری سیستمی و جامعیت سازه انگاری قاعده محور حتی الامکان (و با تسامح در مورد تضادهای مبنایی دو روش) می تواند بر گرفته از روشی تلفیقی باشد. در این مدل فرضی سیاست خارجی دولت ها سیستم های هوشمندی در نظر گرفته می شود که براساس تعامل دروندادها و بروندادهای سیستم عمل می نماید، دروندادهای سیستم سیاست خارجی از دومنبع داخلی ومحیط بین الملل به دولت ها وارد می شود این دروندادها به به نوبه خود ارزش ها، انگاره ها و هنجارهایی را برای کشورها معرفی نموده و از طریق کسب هویت در دولت ها به منافع آن ها در سیاست خارجی و روش های کسب این منافع شکل می دهد، نوع منافع و چگونگی حرکت دولت ها در جهت کسب این منافع بروندادهایی است که از سوی دولت ها در سیاست خارجی، محیط های داخلی و خارجی را تحت تاثیر قرار می دهد و در صورت کسب منافع یاد شده از روش های اتخاذ شده توسط دولت ها، دولت ها در نهادینه سازی هویت خود در سیاست خارجی مصمم خواهند شد، چنانچه در صورت عدم کسب منافع از طرق یاد شده دولت ها مجبور به باز اندیشی در هویت خود خواهند بود. در این مدل هویت پلی است که محیط های داخلی و خارجی کشورها را به منافع و ابزارهایی که این کشورها در سیاست خارجی دنبال می کنند ارتباط می دهد، بدین معنا که کشورها



همچنان که با نگاه به محیط های داخلی و خارجی خود به انتخاب منافع و راهکارهای کسب آن ها می پردازند تلاش می نمایند تا محیط های داخلی و خارجی را در جهت کسب منافع غایی خود مورد باز سازی قرار دهند و در این رهگذر است که هویت دولت ها بر ساخته می شود. این مهم بدان معناست که هر تغییردنباله دار در رویکردهای میدانی سیاست خارجی ناگزیر به تغییرات هویتی درسیاست خارجی کشورها منجر خواهد شد. (کبالکوا، ۱۳۹۵: ۲۲۵)



بر اساس مدل نظری یاد شده رویکرد های نوین عربستان در سیاست خارجی این کشور در واقع همان برون دادهای سیستم سیاست خارجی عربستان سعودی ست که در کنه خود نمایشگر سه مرحله پیشینی ست ابتدا اینکه عربستان در پی هویت یابی نوینی در سطح منطقه و جهان است که بر اساس انگاره ها، ارزش ها و هنجارهای نوین مورد توجه قرار گرفته و در این کشور مطرح گردیده است و واپسین لایه از این چرخه را محرک های داخلی و خارجی موثر بر هویت یابی نوین عربستان شکل می دهد بدین واسطه پژوهش پیش رو در پی پاسخ دادن به سه پرسش است: رویکردهای نوین عربستان در سیاست خارجی این کشور کدامند؟ عربستان در پی این رویکردها چه هویت نوینی را پی جویی می کند؟ و چه الزامات داخلی و خارجی عربستان را به هویت یابی نوین در سطح سیاست خارجی رهنمون ساخته است؟

### ۳. رویکردهای نوین عربستان در سیاست خارجی

برای درک تغییرات صورت گرفته در سیاست خارجی عربستان سعودی ابتدا احتیاج است تا با بررسی پیشینه سیاست خارجی این کشور به درک درستی از منافع اصلی و روش های مرسوم عربستان در سیاست خارجی دست یابیم تا به واسطه مقایسه عناصر موجود در سیاست خارجی نوین عربستان سعودی بتوانیم با عناصر سنتی، تحولات در دو حوزه منافع و روش ها را بیان نماییم.

#### ۱.۳ ارزش ها، منافع و ابزارهای سنتی عربستان در سیاست خارجی

##### ۱.۱.۳ منافع و ارزش های سنتی عربستان در سیاست خارجی

رابطه ارزش ها و هنجارهای هر کشور در سیاست خارجی را باید از حیث زمینه سازی ارزش ها و هنجارها برای تعریف منافع و اهداف دانست چرا هر کشور به واسطه ارزش ها و هنجارهایی که لرای خود تعریف نموده و می نماید اهداف و منافع را در سیاست خارجی و داخلی تعریف می نماید، بررسی این موضوع در سیاست خارجی عربستان نیز نمایش گر هم بستگی میان ارزش ها و هنجارها با اهداف و منافع این کشور در سیاست خارجی عربستان سعودی بوده است.

در ادبیات مطرح شده پیرامون سیاست خارجی عربستان سعودی دو عنوان به تواتر وارد شده و مورد اتفاق قرار گرفته است؛ سیاست خارجی عربستان از حیث منافع و غایات امنیت محور و از حیث رویکردها دارای رویکردی محافظه کار بوده است. (Kinninmont, 2016) موضوع امنیت به عنوان ارزش و هنجار اصلی در سیاست خارجی و حفظ آن به عنوان هدف و منفعت غایی در سیاست خارجی عربستان به را می توان از زوایای متنوعی مورد بررسی قرارداد و دلایلی را برای آن عنوان داشت، ساختار حاکمیتی عربستان و تاریخچه شکل گیری این نظام سیاسی، رابطه نظام سیاسی و جامعه سعودی، مدل اقتصادی عربستان و وضعیت ژئوپلتیکی شبه جزیره وار عربستان سعودی دلایلی ست که این کشور را در سیاست خارجی خود به کشور واکنش محور و امنیت طلب تبدیل نموده است، مساله امنیت با طیف بندی های متفاوت در دوره های مختلف پادشاهان سعودی همواره مرکز ثقل تصمیمات در سیاست خارجی بوده است، این موضوع عربستان

را بر آن داشته است تا در چهار سطح شبه جزیره، منطقه خاورمیانه، جهان اسلام و سطح بین المللی روابط و رویکردهای خود را تنظیم نماید.

در سطح شبه جزیره به عنوان فضای حیاتی، عربستان تلاش داشته است تا تمامی نیروها را برای بسط هژمونی و تسلط خود همسو نموده، جریان های ناهمخوان را به اشکال مختلف کنترل و حذف نماید. در سطح منطقه خاورمیانه رویکرد کلی عربستان موازنه سازی نیروها در جهت عدم تفوق و برتری کشوری خاص در سطح منطقه بوده است از این رو عربستان همواره در حال موازنه سازی قدرت میان کشورهای مهم منطقه همچون ایران، عراق، مصر، سوریه، ترکیه و اسرائیل بوده است و در این راه تلاش نموده است تا با ایجاد موازنه میان این نیروها برآیندی ثابت و خشتی از ترکیب آن ها را حاصل نماید این موضوع در نگاه برخی تحلیل گران مسائل عربستان با عنوان موازنه سازی تهدید شناخته می شود (احمدیان، ۱۳۹۵)، که نمایشگر روحیه منفعل و امنیت محور عربستان در تاریخچه سیاست خارجی این کشور است.

حوزه ی سومی که تاریخچه سیاست خارجی عربستان سعودی در آن قابل رصد و پیگیری است، حوزه ی جهان اسلام و عموم کشورهای اسلامی ست حوزه ی که عربستان در آن خود را به عنوان مهد اسلام و محل استقرار شریفترین اماکن و نمادهای اسلامی دارای ویژگی ها و امتیازات معنایی می داند، این موضوع که به گونه ای تاریخی با ورود ثروت های نفتی به عربستان و بسط ید این کشور برای حمایت از برخی کشورهای اسلامی تقویت گردیده است را می توان حوزه ی آرمانی عربستان در سیاست خارجی نامید که عربستان تلاش دارد تا آن را رهبری نموده و به حوزه ی تفوق معنایی خود مبدل سازد، استفاده از ظرفیت های سازمان همکاری اسلامی (سازمان کنفرانس اسلامی سابق) برای همسو سازی نظرات کشورهای اسلامی با مواضع عربستان که در دوره های اخیر این سازمان نمود بیشتری داشته است و استقرار دبیر خانه دائمی آن در ریاض، نمایش گر نگاه خاص عربستان به حوزه ی جهان اسلام در سپهر سیاست خارجی این کشور است.

در سطح بین الملل عربستان از دیر باز به عنوان متحد و شریک امریکا در منطقه شناخته شده و این مهمترین نمایه فعالیت های عربستان سعودی در سطح بین المللی بوده است. (Yefet, 2015; 92) این موضوع که در سطوح مختلف نمود داشته است، در زمینه های اقتصادی در قالب وابستگی های متنوع اقتصاد نفتی عربستان به بازار نفت خام امریکا و

توانایی های فنی مهندسی در صنایع نفت عربستان به این کشور علاوه بر وابستگی کلیت بازار و مراودات اقتصادی عربستان به امریکا قابل پیگیری ست، زمینه های نظامی و امنیتی حوزه ی دیگری ست که نمایش دهنده ارتباط عربستان با امریکا ست و در نگاه به خریدهای هنگفت نظامی عربستان از امریکا مشاهده می شود، خریدهایی که علاوه بر تجهیز سیستم نظامی کشور در جهت محکم نمودن روابط با سیستم های اقتصادی-نظامی درون امریکا و دخالت دادن ضمنی این کشور در سرنوشت حاکمیت عربستان شکل می گیرد، البته عربستان در سال های اخیر و به دنبال برخی عدم همخوانی هایی که در سطح منطقه از حیث منافع و روشها با امریکا پیدا نمود روابط خود با کشورهای اروپایی و سایر حوزه ها از جمله شرق آسیا را نیز به گونه ای فزاینده ارتقاء بخشیده است، اما آنچه متمایز کننده روابط عربستان با امریکا در مقابل این روابط تازه و روبه گسترش است، موضوعیت امنیت به عنوان هدف اصلی درسیاست خارجی عربستان سعودی ست که تنها در رابطه با امریکا تامین می گردد و سایر روابط هر چند از حیث اقتصادی برای عربستان دارای اهمیت باشند، فاقد امنیت زایی رابطه عربستان و امریکا می باشند.

در یک نگاه کلی منافع عربستان در سیاست خارجی دارای ابعاد امنیتی، واقع گرایانه و کمتر دارای ابعاد هویتی بوده است، و به تعبیر دیگر ارزش نهایی و حیاتی که این کشور را در سیاست خارجی راهبری نموده است، امنیت و حفظ آن به عنوان عنصر بنیادین و لازم برای بقاء نظام آل سعود بوده است، تا آن جا که هر گاه مابین پافشاری بر عناصر هویتی و واقعیت های محیطی که امنیت زایی در راس آن ها قرار داشته است، بنا بر انتخاب قرار گرفته است، عربستان امنیت را برگزیده است و شاید بتوان گفت عناصر هویتی نیز به گونه ای در خدمت امنیت زایی قرار داشته اند. (عطایی و منصور، مقدم، ۱۳۹۲) چنان چه وهابیت به عنوان پررنگ ترین عنصر هنجاری در سیاست خارجی عربستان به عنوان عنصری برای نفوذ در سایر کشورها مورد استفاده قرار گرفته است (همان).

### ۲.۱.۳ ابزار سنتی عربستان در سیاست خارجی

بررسی تاریخچه ابزارهای به کار گرفته شده در سیاست خارجی عربستان نیز نمایش گر روحیه محافظه کارانه و انفعال در سیاست خارجی این کشور بوده است، چنان چه عربستان با استفاده از دو عنصر دیپلماسی پولی-نفتی و اتکاء به قدرت های فرا منطقه ای تلاش داشته است تا به منافع خود در سیاست خارجی دست یابد، از این رو عربستان در

مسیر حفظ امنیت با رویکردی محافظه کارانه تلاش نموده است تا با پرداخت کمک های مالی امنیت را خریداری نماید. دیپلماسی نفتی و یا پولی اصلی ترین ابزار در سیاست خارجی عربستان بوده است این موضوع که در تاریخچه سیاست خارجی عربستان سعودی دارای نمادهای زیادی می باشد پس از نشست کنفرانس کشورهای اسلامی در ۱۹۶۷ میلادی در سیاست خارجی عربستان نهادینه شد تا جاییکه در سال ۱۹۷۶ عربستان با ۳/۶ میلیارد دلار کمک های خارجی پس از ایالات متحده بالاترین نرخ کمک های خارجی را به خود اختصاص داد. (اسدی، ۱۳۹۶) کمک هایی که عموماً به منظور همراه سازی کشورهای منطقه و جهان اسلام با سیاست های عربستان هزینه شده و می شود، این در حالی است که استفاده سخت افزاری از زور در سیاست خارجی عربستان دارای سابقه ای کم رنگ بوده است، رویکردی که تنها در حوزه ی شبه جزیره به عنوان فضای حیاتی عربستان و پس از ناکام ماندن سایر روش ها برای اعمال نظر و کسب منافع عموماً در مقابل گروه های زیدی در یمن مورد استفاده قرار گرفته است.

رابطه با قدرت های بزرگ و در راس آن ها آمریکا و تلاش در ایجاد پیوستگی راهبردی با آن ها ابزار دیگریست که عربستان در سیاست خارجی خود و در مسیر حفظ و ایجاد امنیت مورد توجه قرار داده است، ایجاد روابط اقتصادی و سیاسی چند لایه و مستحکم روشی است که عربستان در قبال این نیروها و برای گره زدن سرنوشت خود با منافع حیاتی قدرت های یاد شده اتخاذ نموده است.

#### ۴. رویکردهای نوین عربستان در سیاست خارجی (ارزش ها، منافع و ابزار های نوین)

در دوره نوین سیاست گذاری عربستان در حوزه ی سیاست خارجی که از سال ۲۰۱۱ میلادی شروع گردید و در دوره پادشاهی سلمان بن عبد العزیز (از ژانویه ۲۰۱۵ تا کنون) تقویت گردید، کماکان امنیت مساله و ارزش اصلی در سیاست خارجی کشور است و ایجاد، حفظ و توسعه امنیت هدف اصلی این کشور در سیاست خارجی است (Guaze, 2002, 197)، آن چه این دوره را از دوره ی گذشته متمایز سیاست خارجی عربستان جدا می کند، تلقی نوینی است که عربستان از موضوع امنیت در این دوره دارد. و بدین واسطه ابزار متفاوتی را علاوه بر روش های سنتی به کار می گیرد.

در دوره ی نوین عربستان امنیت را به عنوان موضوعی ایجاد شونده و قابل ساخت در نظر می گیرد از این رو نگاه منفعلانه به امنیت که از آن به موازنه سازی تهدید یاد گردیده است، جای خود را به نگاهی فعال و کنش گر در خصوص ایجاد امنیت و موازنه سازی قدرت میان کنش گران و دولت های منطقه و نیز افزایش و نمایش توان سخت افزاری از سوی عربستان داده است. علاوه بر این در این دوره امنیت در گفتمان سیاست خارجی عربستان دارای مفهومی چند بعدی گردیده است و در سطوح امنیت نظامی، اقتصادی، دینی و ایدئولوژیک و امنیت اجتماعی و درون جمعیتی تعریف می شود.

ورود عربستان در بحران های سوریه و حمایت آشکارا از مخالفین دولت سوریه یکی از نمادهای ورود عربستان به فاز جدیدی از سیاست خارجی خود بود، در ادامه عربستان با ایجاد ائتلاف های نظامی در میان کشورهای منطقه و سایر کشورهای اسلامی تلاش دارد تا کنشی فعال و مشروع را برای تغییر در سپهر امنیتی منطقه خاورمیانه و علی الخصوص خلیج فارس داشته است. اولین مورد، «ائتلاف عربی در یمن» بود که در مارس ۲۰۱۵ ایجاد شد. متعاقب آن، در دسامبر ۲۰۱۵، «ائتلاف نظامی اسلامی برای جنگ علیه تروریسم» تشکیل شد. اخیراً نیز «ائتلاف ضد قطر» در ژوئن ۲۰۱۷ ایجاد شد؛ این ائتلاف برای واداشتن قطر، رقیب دیرین عربستان سعودی به همسویی با دیدگاه های استراتژیک عربستان در شورای همکاری خلیج فارس بوده است.

ورود عربستان به جنگ داخلی بین گروه های یمنی در سال ۲۰۱۵ که با عملیات موسوم به "طوفان قاطعیت" آغاز گردید و در ادامه با مقاومت سر سختانه و ائدئولوژیک انصارالله یمن و کمیته های مردمی با بازسازی و تحت عنوان نوین «احیای امید» ادامه یافت را می توان یکی از بارزترین نمادهای رویکرد نوین عربستان در سیاست خارجی برای ایجاد امنیت و موازنه سازی قدرت با ایران به عنوان مهم ترین رقیب منطقه ای عربستان دانست.

بدین واسطه رویکردهای نوین عربستان در سیاست خارجی را می توان در سه حوزه ی ارزش ها، منافع و ابزارها این گونه جمع بندی نمود، در حوزه ی ارزش های کماکان بقاء و امنیت به عنوان ارزش و هنجار اصلی در سیاست گذاری داخلی و خارجی عربستان بالاترین وزن را داراست، از این رو در حوزه ی منافع عربستان به دنبال ایجاد، حفظ و گسترش امنیت می باشد البته چنانچه در ادامه عنوان خواهد شد امنیت در رویکردهای نوین عربستان دارای ابعاد نوینی است که می باید در جهت ساخت و ایجاد آن به عنوان کنش

گری فعال وارد عمل گردید از این رو عربستان در این دوره تلاش دارد تا امنیت را از راه ساخت و به عنوان عنصری پویا و خود یارکسب نماید که مجموع این عناصر ابزارهای نوینی را از جمله استفاده سخت افزاری از نیروهای نظامی در قالب ائتلاف سازی های منطقه ای علاوه بر ابزارهای سنتی عربستان را در دستور کار سیاست خارجی این کشور قرار داده است.

در مورد آن چه در رویکردهای نوین عربستان پیرامون امنیت اقتصادی نامیده می شود، می توان به بالا بردن ظرفیت های اقتصادی و متنوع سازی منابع در آمدی اشاره نمود، که به نوعی واکنش به کردن اقتصاد وابسته به نفت خام عربستان در مقابل تنش های بازار جهانی نفت است. (VISION 2030)

وهابیت و علی الخصوص شاخه رادیکال و جهادی آن برای عربستان به عنوان شمشیری دو لبه نمود دارد، چرا که این نوع وهابیت گر چه در سال های اخیر به عنوان ابزاری در جهت منافع عربستان در سیاست خارجی عمل نموده است با این حال خود در سطح جامعه عربستان همواره به عنوان یک تهدید بالقوه مطرح خواهد بود، از این رو دولت مردان عربستان تلاش دارند تا در سطح داخلی نوعی وهابیت فردی و عرفی و وابسته به حاکمیت را رواج دهند تا بتوانند از آسیب های وهابیت رادیکال در درون مرزهای عربستان جلوگیری نمایند. (اصلائی، ۱۳۹۶)

رویکرد دیگری که عربستان در سطوح سیاست داخلی و خارجی پیگیری می نماید، امنیت اجتماعی و جلوگیری از فعالیت های اقلیت های داخل کشور علی الخصوص شیعیان در جهت حفظ همبستگی ملی در سطح داخلی است بدین منظور عربستان تلاش دارد تا بواسطه تحرکات سرکوبگرانه و فعالیت های سلبی در سطح سیاست خارجی، ازالگو گیری این گروه ها از شیعیان ایران و یمن که به عنوان رقبا و حتی دشمنان منطقه ای عربستان محسوب می شوند جلوگیری نمایند.

## ۵. هویت یابی نوین عربستان در سیاست خارجی

در رویکرد نظری سازه انگاری تغییرات در منافع و ابزارها در سیاست خارجی که نمادهای بیرونی کنش دولت ها در سیاست خارجی را شکل می دهند در کنه خود نمایش گر تغییرات هویتی در دولت ها و مسیری برای تثبیت هویت ها هستند، عربستان سعودی نیز از

این قاعده مستثنا نیست از این رو در تغییرات رخ داده در منافع و ابزار نوین عربستان در سیاست خارجی می توان رهیافت هویتی جدید این کشور را پی جویی نمود.

سه رویکرد هویتی جدید در کنش های اخیر عربستان در حوزه ی سیات خارجی قابل طرح و پی گیری ست؛ ایجاد نمایش هویتی مستقل از خود در عرصه سیاست خارجی، نمایش چهره کشوری فعال و مبتکر در سیاست خارجی در سطوح شبه جزیره، منطقه و جهان اسلام و سوم مطرح شدن به عنوان کشوری که دارای همخوانی با نرم های بین المللی در سطوح سیاست داخلی و خارجی ست.

### ۱.۵ ایجاد و نمایش هویت مستقل

این رویکرد هویتی که در پاسخ و واکنش به انگاره تبعی بودن سیاست خارجی عربستان سعودی در دستور کار هیئت حاکمه این کشور قرار گرفته است را جدای از آن که تا چه حد قابل اجرا و تحقق می باشد می توان از جمله تغییرات هویتی نوین در سیاست خارجی عربستان دانست، موضوعی که بیش از هر چیز در اختلاف نظرهای عربستان با سیاست های منطقه ای امریکا به عنوان مهم ترین متحد فرا منطقه ای عربستان قابل مشاهده است به عنوان مثال رویکردهای متفاوت عربستان با امریکا پیرامون رخدادهای بوجود آمده در موج نوین دموکراسی خواهی در خاورمیانه که به "بیداری اسلامی" و یا "بهار عربی" موسوم گردید از جمله این مسائل است. تفاوت نگرش های عربستان با امریکا در مورد تعامل با ایران علی الخصوص در دوره ی ریاست جمهوری اوباما و روند شکل گیری توافق جامع هسته ای "برجام" از دیگر نمایه هایی ست که در آن می توان هویت جویی نوین و مستقلی را از عربستان در خلال رویکردهای سیاست خارجی این کشور جویا شد. (Hannah, 2016) نکته قابل تامل در این زمینه توجه به میزان و عمق این مولفه هویتی در سیاست خارجی عربستان سعودی ست، چرا که نباید در مورد عمق این مولفه دچار اغراق شد چرا که کماکان عربستان سیاست های منطقه ای و بین المللی خود را بیش از هر چیز بر اساس پیوند ها با امریکا تنظیم می نماید و به گونه ای تاریخی عنصری تبعی برای سیاست خارجی امریکا در منطقه محسوب می شود با این حال شکل گیری اولین نشانه ها در این هویت یابی مستقل از سوی عربستان قابل انکار نیست. نشانه هایی که هر چند در



دوره های پیشین سیاست خارجی عربستان نیز وجود داشته است تا این اندازه قابل توجه نبوده و دارای ریشه ای داخلی و خارجی استواری نبوده اند.

## ۲.۵ نمایش چهره ای فعال و مبتکر

انگاره محفظه کار بودن سیاست خارجی عربستان که در طول سال ها وجه بارز سیاست خارجی این کشور را شکل داده بود، هم در قالب کنش ها و هم در قالب ابزار های سیاست خارجی عربستان نمود داشت، چرا که این کشور در سیاست خارجی خود همواره به دنبال ایجاد فضایی امن پیرامونی برای بقاء به روش های عموماً مالی و دیپلماسی نفتی بود، در رویکردهای نوین این کشور عربستان تلاش دارد تا با نمایش تحرکات سازنده در سیاست خارجی خود و به کار گیری ابزارهای برون‌گرایانه تری چون استفاده از ظرفیت های دیپلماسی گروهی و حمایت از مخالفان کشورهای غیر همسو، استفاده از ظرفیت های نهادهای بین المللی و حتی به کار گیری ابزار های نظامی هویتی فعال و مبتکر را از خود به نمایش بگذارد. (Takeyeh and Sabagh, 2015) اوج این کنش گری را در جریان بحران های بحرین، سوریه و یمن می توان مشاهده نمود.

در بحرین و در پی اعتراضات گسترده مردمی بر علیه حکومت آل خلیفه که این حکومت را در آستانه زوال قرار داده بود عربستان با اعزام نیروهای نظامی خود به بحرین در قالب عملیات «سپر جزیره» از روز های پایانی سال ۱۳۸۹ شمسی تا کنون ادامه داشته است، عربستان این عمل را در راستای دفاع از تمامیت ارضی و حفظ امنیت برای یکی از کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس معرفی می نماید.

در موضوع سوریه نیز عربستان ضمن دفاع مشهود از معارضین سوری که این کشور ان ها را مخالفین معتدل نظام سوریه می دانست و نیز دفاع غیر مشهود از گروه های تروریستی فعال در سوریه تلاش نمود تا به بر اندازی نظام سیاسی سوریه به رهبری بشار اسد کمک نماید. در این راستا عربستان کمیته ای متشکل از معارضین سوری را با عنوان "کمیته عالی مذاکرات" برای حضور در گفتگوهای سوری مورد حمایت عربستان و غرب در ریاض تشکیل داد و در موازات آن به کمک های مالی و تسلیحاتی به گروه های تندرو فعال در سوریه پرداخت. اما در یمن بالاترین نمایه از تغییر هویتی عربستان مشهود بوده است این حمله که البته دارای سوابق پیشینی ست در این دوره با حجمی گسترده و با طول مدتی

بیشتر برای ایجاد تغییرات دلخواه در فضای سیاسی یمن به عنوان کشوری معضل ساز در فضای حیاتی شبه جزیره عربستان صورت پذیرفته است.

### ۳.۵ نمایش چهرهای قانونی و هم خوان با نرم های بین المللی

هرچند عربستان از دیر باز به واسطه وضعیت داخلی خود در موضوعات متفاوتی چون حقوق زنان، اقلیت های دینی، آزادی بیان و... از سوی نهاد های بین المللی چهره ای مورد انتقاد بوده است در دوره نوین این کشور تلاش داشته است تا با ابزار های متعددی چون کمک های مالی به سازمان های بین المللی چون سازمان ملل و نهاد های وابسته به آن خود را از اتهامات وارده تا حد امکان مبرا سازد و در پاره اوقات نیز در این راستا به توفیقاتی دست یافته است، مسکوت نمودن برخی گزارش ها بر علیه این کشور در سازمان ملل از جمله این موارد است، خارج نمودن نام عربستان از لیست سیاه کودکشی توسط سازمان ملل در سال ۲۰۱۶ میلادی و عضویت عربستان در کمیسیون حقوق زنان سازمان ملل متحد از جمله این فعالیت هاست. در این راستا مقامات عربستانی تلاش نموده اند تا اقدامات خود در منطقه را با عناوینی چون جلوگیری از ایجاد رادیکالیسم و دینی شدن حکومت ها که در عرف بین المللی دارای بار معنایی مثبتی می باشد توجیه نمایند (گلی، ۱۳۹۶). چنان چه عربستان تلاش نموده است تا فعالیت های نظامی خود را در چارچوب ائتلاف های منطقه ای و بین المللی که در عرف بین الملل دارای مشروعیت بالاتری می باشد، به انجام رساند، اولین مورد حمله به یمن در چارچوب «ائتلاف عربی در یمن» بود که در مارس ۲۰۱۵ ایجاد شد. متعاقب آن، در دسامبر ۲۰۱۵، «ائتلاف نظامی اسلامی برای جنگ علیه تروریسم» تشکیل شد.

در این راستا بسیاری از تحرکات نوین دیپلماتیک عربستان در منطقه حتی روند عادی سازی روابط با اسرائیل جدای از مسائل و ضرورت هایی که در سیاست خارجی عربستان برای آن در نظر گرفته می شود کنشی برای شناخته شدن به عنوان عنصری همخوان با فضای بین المللی قلمداد می شود.

#### ۴.۵ دلایل داخلی و خارجی هویت یابی نوین عربستان در سیاست خارجی

بر اساس مدل نظری سازه انگاری آن چه بطور کلی پیرامون رابطه محیط های داخلی و خارجی کشور ها و منافع و ابزار های آن ها در سیاست خارجی می توان گفت، رابطه توامان این دو حیطه است، چنان چه هر کشوری تحت تاثیر محیط داخلی خود، محیط بین المللی و نوع تلقی که از این دو مقوله دارد، منافع خود و ابزار های رسیدن به این منافع را تعیین می نماید که در واقع نمایش گر هویت دولت ها در سطح بین المللی ست، در مسیر دست یابی به منافع یاد شده، از سوی محیط های بین المللی و داخلی پیام هایی اعم از پذیرش و یا رد اهداف و روش ها، به سیستم تصمیم گیر، در سیاست خارجی کشور ها ارسال می شود، که آن ها را در تصحیح و یا تقویت رویه های پیشین راهبری می نماید این روند، روند هویت یابی کشور ها در مسیر سیاست خارجی آن هاست که قطعه ای از پازل کلی هویت یابی در الگوی دولت هاست.

عربستان سعودی نیز از این قاعده مستثنی نیست، این کشور به واسطه تلقی که از محیط های داخلی و خارجی خود داشته است، هویتی را برای خود در سپهر سیاست خارجی تعریف نموده و بر این اساس منافع و ابزارهایی را برای دست یابی یابی به آن ها در نظر گرفته است، در مسیر دستیابی به این اهداف عربستان سعودی پیام هایی را از سوی قدرت های بزرگ، نهادهای بین المللی و کشورهای تاثیر گذار در منطقه دریافت خواهد نمود، که این کشور را در راه تداوم هویت یابی یاد شده و یا تصحیح آن قرار خواهد داد.

#### ۶. دلایل خارجی

در خصوص دلایل خارجی که منافع، کنش ها و در نهایت هویت یابی نوین عربستان در سطح سیاست خارجی را به دنبال داشته است می توان به دو دسته کلی درک نوین عربستان از منطقه حیاتی و پیرامونی خود و درک نوین عربستان از عوامل و امکانات تولید امنیت در این حوزه ها تقسیم بندی نمود.

## ۱.۶ درک نوین عربستان از منطقه حیاتی و پیرامونی خود

در مورد نخست عربستان، ایران و نفوذ منطقه ای آن را به عنوان چالش بر انگیزترین معضل ضد امنیتی خود در سطوح شبه جزیره به عنوان فضای حیاتی و منطقه خاورمیانه به عنوان فضای مهم در سیاست خارجی خود تصور می نماید. (Al-Rasheed, Modawi, 2015) این مهم که علی الخصوص در پی بسط روابط با دولت نوین عراق و تحکیم نفوذ منطقه ای ایران در این کشور و بیش از آن تقویت جریان انصار حزب الله در یمن، حزب الله در لبنان و اتحاد راهبردی با سوریه تقویت گردیده است، عربستان را بر آن داشته است تا قسمت عمده امکانات و توانایی های خود را برای جلوگیری از رشد نفوذ یاد شده مصروف نماید و در این راستا حتی تحرکات "اخوان المسلمین" که برای سالیان متمادی از عناصر اصلی تهدید کننده امنیت عربستان بوده است در رده های بعدی اهمیت قرار گیرد (Seiler, 2016, 4) و به نوعی به دست فراموشی سپرده شود. ورود پر هزینه به بحران های سوریه و ورود قمارگونه به بحران یمن از جمله نمادهای درک نوین عربستان از بسط نفوذ منطقه ای ایران در مناطق حیاتی و مهم خود و لزوم کنترل آن است، حتی برخی تحلیل گران یکی از دلایل عادی سازی روز افزون روابط عربستان و اسرائیل را استفاده از دشمنی ریشه دار اسرائیل بر علیه ایران و امکانات این رژیم در این مسیر بر آورد نموده اند (مصلی نژاد، ۱۳۹۵). این مهم عربستان را به اتخاذ رویه های هویتی غیر محافظه کارانه و عمل گرا در سیاست خارجی خود رهنمون گردیده است.

## ۲.۶ درک نوین عربستان از عوامل و امکانات تولید امنیت

به گونه ای تاریخی و سنتی عربستان در رهیافت حفظ و ایجاد امنیت برای خود به نیروهای فرا منطقه ای علی الخصوص امریکا وابسته بوده است و در این رهگذر تلاش داشته است تا منافع این کشورها را با امنیت و بقاء خود پیوند زند، خرید گسترده سلاح از کشور های غربی و ایفاء نقش به عنوان عنصری که امریکا از آن برای کنترل بازار جهانی نفت و فشار بر کشورهای غیر همسو چون ایران استفاده برده است از جمله نمادهای این موضوع است. این موضوع در سال های اخیر با دو چالش عمده مواجه شده است ابتدا تشکیک در تداوم هژمونی جهانی امریکا در نزد دولت مردان سعودی ست، که این گروه را با نگرانی

های جدی در مورد آینده امنیت و بقاء خود در صورت تداوم تکیه تام بر قدرت هژمونیک امریکا در جهان مواجه ساخته است. (احمدیان، ۱۳۹۵)

چالش دیگر در مورد صداقت امریکا در روابط تبعی امنیت پایه با کشور های منطقه است این انگاره پیامد دو ریداد در سال های پس از سال ۲۰۱۱ میلادی در هیئت حاکمه عربستان شکل گرفت، ابتدا اتفاقات رخ داده در جریان رویداد های منطقه ای در مصر، تونس در قالب «بهار عربی» و یا «بیداری اسلامی» بود که در آن ها امریکا متحدان خود را در جریان انقلاب ها تنها گذاشته و به نوعی با جریان این انقلاب ها همراه شد. این واقعیت های تاریخی و موضوعات همدست عربستان را با این تردید جدی روبرو ساخت که امریکا تا چه اندازه حاضر است برای متحدین منطقه ای خود هزینه پرداخت نماید. (Gause, 2013) اتفاق دیگری که موجب تردید عربستان در مورد نقش و جایگاه امریکا در ایجاد امنیت منطقه ای به نفع متحدین منطقه ای خود بود، روند مذاکراتی بود که حول برنامه هسته ای ایران و شش کشور با محوریت امریکا شکل گرفت و در نهایت به تصویب برنامه جامع اقدام مشترکی با عنوان "برجام" انجامید، این موضوع که دولتمردان عربستان را در مورد کاهش اهمیت منطقه ای خاورمیانه برای امریکا نگران ساخت، این پیام را به عربستان داد که امریکا در صدد ایجاد موازنه های منطقه ای در خاورمیانه با درگیر کردن سایر قدرت های جهانی در آن و با استفاده از نظام سازی های حقوقی و کاهش حضور فیزیکی ست. این نگاه که در ادبیات تحلیل های استراتژیک با عنوان رویکرد نگاه به شرق از سوی امریکا مطرح گردیده است. (Hannah, 2016) عربستان را در مسیر ایجاد هویتی مستقل و غیر تبعی قرار داد، هرچند در مورد میزان تاثیر گذاری مولفه های یاد شده نباید اغراق نمود و در مسیر سیاست خارجی عربستان از کنش گری همه جانبه، استقلال تام و جدایی از امریکا سخن گفت با این حال این عناصر به گونه ای ابتدایی در سیاست خارجی عربستان مطرح گردیده است.

## ۷. دلایل داخلی

وابستگی محیط های داخلی با تصمیمات کشورها در سیاست خارجی آن ها از موضوعاتی ست که مورد پذیرش اندیشمندان این حوزه ی پژوهشی قرار گرفته و در برخی از طرح های پژوهشی مرتبط با سیاست خارجی مورد بررسی بوده است، عربستان سعودی دارای

پیوندهای گسترده ای میان حوزه های داخلی و تصمیمات در سیاست خارجی ست و به گونه ای تاریخی دولت عربستان سعودی همواره تلاش در تلفیق این دو حوزه و استفاده از توفیقات و موقعیت های سیاست خارجی در مسائل داخلی داشته است. (Ennis and Momani, 2013;1130)

برای بررسی موضوعات و عناصر داخلی که در روند نوین سیاست خارجی عربستان و هویت یابی این کشور در سطح سیاست خارجی دخیل بوده اندو نیز بازخوردهای سیاست خارجی مورد استفاده حکومت عربستان سعودی در سیاست داخلی، ابتدا می باید نگاهی گذرا به ساختارهای قدرت موثر بر سیاست خارجی این کشور داشت، از این رو چهار عنصر ساختار نظام پادشاهی و مناسبات قدرت در عربستان، ساختار اقتصادی رانیر و وابسته به نفت این کشور، وهابیت به عنوان ایدئولوژی حکومت و نقش اقلیت ها در سیاست گذاری های عربستان در حوزه ی سیاست خارجی مورد توجه قرار گیرد. و رویکردهای نوین عربستان در سیاست خارجی در رابطه با تغییرات صورت گرفته در هر یک از این حوزه ها بررسی شود.

### ۱.۷ تغییرات در ساختار نظام پادشاهی و مناسبات قدرت در عربستان سعودی

پادشاه، ساختارها و کارگزاران پادشاهی و روابط درون گروهی در میان خاندان پادشاهی عربستان تاثیر گذارترین عنصر موثر بر سیاست خارجی در عربستان سعودی ست در کنار این نیروی فائقه، علمای طراز اول وهابی، سرمایه داران بزرگ (که عموما وابستگان خاندان سلطنتی هستند) و برخی تکنوکرات ها نیز در این میدان دارای تاثیرات درجه دوم و یا پایتتر می باشند. در این میان پادشاه سعودی و یا فردی که از جانب او اختیارات گسترده ای در این زمینه دارند، طراح ومجری سیاست ها در زمینه سیاست خارجی کشور هستند و سایر گروه های یاد شده در زمینه هایی که در حیطه آن هاست با دادن مشورت و اعلام نظر فرد یاد شده رادر این زمینه همراهی می نمایند، به طور مثال علمای وهابی موثر در عربستان در موضوعات مربوط به سیاست خارجی که تبعات دینی دارد تلاش داشته اند تا سیاست خارجی عربستان را به سمت و سوی دفاع از موازین وهابیت در سیاست خارجی سوق دهند (Korany et al, 2010, 371)، هر چند واقعیت ها گویای رویکرد واقع گرایانه در تصمیمات سیاست خارجی عربستان و نگرش های کم تر اعتقادی آن ها در زمینه بوده

است، حتی در پاره ای اوقات استفاده ابزاری از وهابیت در پیش برد اهداف سیاست خارجی عربستان مشاهده گردیده است، که مورد خاص بحران سوریه و استفاده ابزاری از فتاوی علمای وهابی عربستان در پیش برد سیات های دولت سعودی نمونه بارز این واقعیت است.

در دوره ی نوین که تغییرات عمده در سیاست خارجی عربستان در آن صورت پذیرفته است، ابتداء در ۲۳ ژانویه سال ۲۰۱۵ با مرگ ملک عبدالله، برادر او ملک سلمان بن عبدالعزيز آل سعود زمام پادشاهی عربستان را در دست گرفت. سلمان با آغاز پادشاهی خود، کوچکترین برادرش مقرن بن عبدالعزيز را به عنوان ولیعهد و برادرزاده اش محمد بن نایف آل سعود را به عنوان جانشین ولیعهد انتخاب کرد. سعود الفیصل و زیر امور خارجه عربستان، با چهل سال سابقه را برکنار و عادل الجبیر را جایگزین او نمود و برخی نهادهای حکومتی دوره ملک عبدالله را نیز منحل نمود و نهاد جدید با عنوان شورای امور سیاسی و امنیتی و شورای امور اقتصادی و توسعه ایجاد نمود، اما دو تغییر را می توان به عنوان برجسته ترین تغییرات نوین در زمان پادشاهی ملک سلمان دانست، ابتدا حمله نظامی به یمن دو ماه پس از تصدی پادشاهی از سوی وی و دیگری معرفی محمد بن سلمان پسر او، وزیر جنگ و نائب رئیس شورای وزیران عربستان به عنوان ولیعهد تازه عربستان. وسعت اختیارات محمد بن سلمان و کنش های تندروانه او در عرصه های سیات داخلی و خارجی عربستان این نمود را داشته است که وی در حال حاضر تاثیر گذار ترین فرد در سیاست عربستان است. محمد بن سلمان که از سابقه اجرایی چندانی در زمان تصدی پست های نوین در عربستان برخوردار نبود، تلاش دارد تا با ایجاد نمایه های پررنگ و موثر از خود در دو عرصه سیاست داخلی و سیاست خارجی، انتقادات در مورد اهلیت برای ولیعهدی را پاسخ دهد، در سطح سیاست داخلی وی به تغییرات ریشه ای در درون سیستم حکومتی عربستان و حتی ساختار های اجتماعی این کشور برای نهادینه سازی تغییرات مورد نظر خود دست زد، بازداشت و خلع ید از تعدادی از شاهزادگان سعودی و برخی تغییرات در زمینه حقوق زنان، از جمله این تغییرات است. چنان چه در خصوص آزادی زنان در عربستان محمد بن سلمان اتخاذ رویکردهای نوین را از الزامات پیشرفت در عربستان عنوان کرده است. (اصلائی، ۱۳۹۶: ۶۶)

در عرصه سیاست خارجی وی با پافشاری بر حمله به یمن و ادامه این روند علی رقم مشکلاتی که برای عربستان به دنبال داشت و نیز نفی امکان گفتگو با ایران و تلاش در راه توجیه مداخلات نظامی عربستان در سایر کشورها رویکردهای جدیدی را در سیاست خارجی عربستان به نمایش گذاشته است رویکرد هایی که در نظر برخی تحلیلگران نمایش دهنده رادیکالیسم در سیاست خارجی عربستان است. (احمدیان، ۱۳۹۵) این رویکرد ها در بلند مدت عربستان را از حیث هویت ها در سیاست خارجی با تحولاتی همراه خواهد ساخت که در صورت تداوم وجه نوین هویت این کشور در سیاست خارجی را شکل خواهد داد.

### ۱.۱.۷ چالش های ساختار اقتصادی رانیر و وابسته به نفت

چنانچه پیشتر گفته شد اقتصاد وابسته به نفت و امکانات دلاری فراوانی که این موضوع در اختیار دولت سعودی قرار داده است از جمله اهرم هایی ست که این دولت در سیاست داخلی و خارجی خود همواره مورد استفاده قرار داده و از آن سود جسته است، در سیاست داخلی، عربستان از این امتیاز برای آرام نگاه داشتن فضای داخلی کشور با دادن امکانات مالی به برخی گروه ها و اقشار معترض استفاده نموده است، در عرصه سیاست خارجی نیز تا کنون دیپلماسی نفتی عربستان کارآمد ترین ابزار این کشور در سیاست خارجی را شکل می دهد. این درآمد ها که از اواسط قرن بیستم در اختیار دولت عربستان قرار گرفته اند همواره سیر سعودی امکانات را برای این کشور فراهم نموده اند، به گونه ای که این درآمد ها که در سال ۱۹۷۱ بالغ بر ۲/۷ میلیارد دلار بود پس از بحران نفتی سال ۱۹۷۳ به ۳۰/۸ میلیارد دلار و پس شروع جنگ ایران و عراق به رقم بی سابقه ۱۰۱/۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰ میلادی رسید در آمدی که در سال های اخیر قلمی بیش از ۱۴۰ میلیارد دلار را نشان می دهد. (بیگ علی زاده، ۱۳۹۳). با این حال عربستان به دنبال وقایعی که در سال های اخیر پیرامون بازار جهانی نفت رخ داده است شروع به تجدید نظر در وابستگی های عمیق خود به نفت و درآمد های آن در سطوح داخلی و خارجی نموده است. برآورد ها در کاهش مصرف نفت خام، کاهش وابستگی جهانی به سبد نفتی اوپک و افزایش تولید نفت امریکا در پی بکار گیری فناوری های نوین و استخراج نفت موسوم به نفت رستی ( Shale Oil). (فرهنگی، ۱۳۹۰).



مجموع این موضوعات عربستان را بر آن داشته است تا در اسناد بالادستی توسعه خود، یکی از افق‌ها را علی‌رغم افزایش توان تولید نفت خام و گاز بر متنوع‌سازی درآمد‌های اقتصادی و کاهش وابستگی اقتصاد عربستان به نفت عنوان نماید که در خود کاهش وابستگی‌های دیگر حوزه‌های داخلی و خارجی به اقتصاد نفتی را به دنبال خواهد داشت، این موضوع در سیاست خارجی عربستان رابه سوی منافع و ابزارهای نوین در سیاست خارجی رهنمون ساخته و خواهد ساخت که خود هویتی نوین را برای سیاست خارجی این کشور به ارمغان آورد. (VISION 2030)

## ۲.۷ وهابیت به مثابه ایدئولوژی حکومت

وهابیت در دو حوزه علمی وهابی و نیز ایدئولوژی اجتماعی و سیاسی در عربستان در سیاست خارجی عربستان تاثیر گذار است، در مورد علمای وهابی آن گونه که پیشتر گفته شد این گروه به عنوان یکی از گروه‌های ذی نفوذ در سیاست خارجی کشور-البته با نقشی ثانویه-شناخته می‌شود، اما آن چه وهابیت را برای دولت عربستان دارای اهمیت بسزایی نموده است توجیهی است که این تفکر و ایدئولوژی برای حکومت آل سعود در زمینه تداوم حکمرانی فراهم آورده است از این رو دولت و حکومت عربستان در تصمیمات سیاست خارجی، خود را به گونه‌ای نمادین-موظف به حفظ جریان‌های همسو با وهابیت و نیز ایجاد امکانات برای رشد و توسعه این نگرش و معتقدین به آن می‌داند. (Kechichian, 2004:48) با این حال در طول زمان وهابیت و التزام به بایسته‌های ایدئولوژیک آن برای عربستان در سطوح داخلی و خارجی در دسر‌هایی را فراهم آورده است. در سطوح داخلی حکومت پادشاهی عربستان با سه نوع کلی از رویکردهای وهابی مواجه است: وهابیت سنتی و ارتدکس، وهابیت رادیکال و تندرو و وهابیت اصلاحی (به رهبری حزب الصحوه) که هر کدام از این رویکردها الزامات خاصی را برای حکومت عربستان در سیاست‌گذاری‌های خود تبلیغ می‌نماید، در مقابل دولت عربستان در سال‌های اخیر و علی‌الخصوص در دوره‌ی ولیعهدی محمد بن سلام تلاش داشته است تا نوعی از وهابیت حکومتی را که تئوری پردازی و الزامات آن تحت نظارت حکومت سعودی باشد را ترویج دهد و در این راه موفق گردیده است تا موافقت قشر قابل توجهی از علمای وهابی را کسب نماید، این وهابیت که به دو منظور کاهش آسیب‌های داخلی

وهابیت رادیکال و جهادی علاوه بر همخوانی بیشتر آموزه های وهابیت با عناصر مدرن و در راه همزیستی کم چالش تر با دنیای غرب ترویج می گردد، در مسیر شخصی شدن و عرفی شدن وهابیت گام بر می دارد. (اصلانی، ۱۳۹۶) در این راستا بن سلمان تلاش دارد تا با حضور در رسانه های غربی و طرح دیدگاه های مترقی مبتنی بر این وهابیت حداقلی ضمن کسب نظرات مثبت در افکار عمومی غرب و ایجاد همراهی بیشتر با دولت مردان این کشورها که در نهایت مسیر سیاست خارجی عربستان را نیز هموار خواهد ساخت. (گلی، ۱۳۹۶) مردم عربستان را نیز در مورد کارآمدی این نوع نگرش به وهابیت متقاعد سازد. از این رو تغییر درانگاره های حکومتی عربستان پیرامون وهابیت از جمله عواملی است که این کشور را در مسیر هویت یابی جدید در سیاست خارجی قرار داده است.

### ۳.۷ اقلیت های مذهبی و سیاست گذاری های عربستان در حوزه ی سیاست

#### خارجی

عربستان جدای از اکثریت حنبلی مذهب و متمایل به وهابیت دارای اقلیت های دیگری از جمله شیعیان، مسیحیان، یهودیان و... نیز می باشد، در این میان شیعیان بالاترین جمعیت اقلیت دینی عربستان را تشکیل می دهند که در سه نحله اصلی شیعیان دوازده امامی، اسماعیلی و زیدی مشاهده می شوند، نکته قابل تامل در مورد شیعیان محل های زندگی این گروه ها و اهمیت سوق الجیشی و اقتصادی مناطق سکونت آن ها برای حکومت عربستان است؛ برای نمونه شیعیان دوازده امامی بیشتر در دو استان شرقیه و مدینه سکونت دارند. شیعیان ساکن در استان شرقیه که عموماً در سه شهر قطیف، احساء و دمام حضور دارند؛ بر روی منابع عظیم نفتی عربستان و در کنار مهمترین مجاری انتقال نفت این کشور زندگی می کنند، نفت این منطقه ۸۵ درصد درآمد ارزی عربستان را تامین می کند، خط لوله انتقال نفت از ظهران به خلیج فارس نیز از شهر قطیف عبور میکند، با این حال شیعیان این مناطق در فقر و دور از امکانات موجود در دیگر بخش های وهابی نشین عربستان به سر می برند دو گروه دیگر شیعیان عربستان، یعنی زیدی ها و اسماعیلی ها نیز در جنوب عربستان بسر می برند و دارای پیوندهای عقیدتی و نژادی با شیعیان زیدی و اسماعیلی یمن می باشند. وضعیت شیعیان برای عربستان در تصمیم گیری های سیاست خارجی دارای اهمیت بوده و هست در مورد شیعیان استان شرقیه به واسطه اهمیت بالای این منطقه برای حکومت و

امکان نزدیکی و تاثیر پذیری این گروه از ایران، سیاست خارجی عربستان همواره در جهت کنترل نفوذ داخلی انقلاب اسلامی و ایران در این منطقه بوده است چنان چه عدم پیوند های استراتژیک شیعیان زیدی و به میزان کمتری شیعیان اسماعیلی جنوب عربستان با جریان های مخالف عربستان در یمن از الزامات تصمیم گیری در سیاست خارجی عربستان بر آورد می شود.

در دوره ی اخیر و به دنبال طرح ایران به عنوان مهمترین رقیب و حتی دشمن منطقه ای عربستان که مصادف با نارضایتی های شیعیان عربستان گردید؛ دولت عربستان سرکوب شیعیان شرق و کنترل شیعیان جنوب عربستان را در دستور کار خود قرار داد، در این راستا این رویکرد به عنوان کنترل سیاست های منطقه ای ایران در محیط سرزمینی عربستان و یمن به عنوان فضای حیاتی این کشور معرفی گردید، از این رو یکی از دلایل و الزامات هویتی نوین عربستان در سیاست خارجی به عنوان رقیب منطقه ای ایران برآمده از وضعیت داخلی عربستان و حضور اعتراضی شیعیان در داخل این کشور است.

## ۸. نتیجه گیری

با وجود توافقی که در میان تحلیلگران مسائل خاورمیانه پیرامون تغییر رویکردهای سیاست خارجی عربستان مشاهده می شود، هنوز جای این سوال باقی ست که آیا این تغییرات رویکردی باید به عنوان مساله ای گذرا و غیر هویتی بررسی شود و یا در تحلیل این موضوعات می باید آن ها را به عنوان مسائلی هویتی و ماندگار بررسی نمود.

در میان نظریاتی که رابطه میان انگاره ها، کنش ها و هویت در سیاست خارجی را توضیح می دهند سازه انگاری رویکرد نظری ست که تلاش دارد به گونه ای سازمان مند این مقولات را در حالتی پویا و غیر استاتیک توضیح دهد؛ بر این اساس هر کنشی در سیاست خارجی کشورها که در بردارنده دو عنصر اهداف و ابزار در سیاست خارجی آن هاست در واقع روندی ست که در آن کشورها دانسته یا نادانسته دست به هویت یابی در سطح سیاست خارجی می زنند، بدین واسطه کنش نوین عربستان در سیاست خارجی این کشور هر چند به میزان کم بر خاسته از الزامات ارزشی و هویت ساز در این کشور است و در صورت موفقیت دارای آثار ی ست که تثبیت هویت جدید برای عربستان از جمله آن هاست.

با بررسی کنش های نوین عربستان در سطح سیاست خارجی دو نوع تغییر در منافع و ابزار مشاهده می شود. تغییراتی که در منافع عربستان در سطح سیاست خارجی می توان دید، ایجاد امنیت و موازنه نیروها در موضعی فعال است که در مقابل اهداف سنتی عربستان در سیاست خارجی که مبتنی بر موضعه منفعلانه در قبال امنیت بود از حیث مفهوم امنیت و بایسته های ایجاد آن و نیز ابزار دست یابی به امنیت دارای تفاوت های معنا داری با رویکردهای امنیتی سنتی عربستان می باشد. در رویکرد جدید عربستان علاوه بر امنیت نظامی به امنیت اقتصادی و امنیت داخلی در دو سطح کم نمودن چالش های ایدئولوژیک و کنترل اقلیت های معترض نیز توجه نموده است از این رو جدای از رویکرد کنش گرانه نظامی از سوی عربستان در سطح منطق می توان دو سطح از اقدامات برای افزایش ضریب امنیت در سطوح اقتصادی و امنیت داخلی را نیز مشاهده نمود در زمینه اقتصادی تلاش عربستان برای متنوع نمودن طرف های تجاری و نیز تنوع بخشی به منابع دارآمدی و رای درآمد های نفتی قابل مشاهده است چنان چه این کشور در زمینه امنیت داخلی به ترویج نوعی وهابیت حکومتی و عرفی شده در کنار متزل و سرکوب اقلیت های دینی معترض می پردازد.

مجموع رویکردهای یادشده کنش ها و ابزار متفاوت و متنوعی فراگرد مساله امنیت برای عربستان ایجاد نموده است که برای این کشور هویتی دگرگون با هویت سنتی این کشور در سیاست خارجی را به ارمغان خواهد داشت در این هویت یابی نوین عربستان تلاش دارد تا به عنوان کشوری، مستقل، فعال و دور اندیش نمایانده شود، هر چند در توفیق این کشور در هویت یابی یاد شده اما واگر های بسیاری مطرح است، از جمله این اما و اگر امکان بالای عدم توفیق عربستان برای دیکته نمودن اهداف خود از طرق نظامی چنان چه در سوریه و یمن متصور است، عدم اطمینان در توانایی این کشور برای ایجاد انگاره های هویتی همخوان میان برخی نماد های مدرنیته و وهابیت، عدم توانایی اقتصادی عربستان برای برون رفت از اقتصاد وابسته به نفت و سرکوب دائمی اقلیت مخالف شیعه در این کشور است.

## کتابنامه

احمدیان، حسین (۱۳۹۵)، تحول در سیاست منطقه ای عربستان؛ آورده های ملک سلمان، فصلنامه روابط خارجی، سال هشتم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۵، صص ۱۲۲ - ۹

بررسی سازه انگارانه رویکردهای نوین عربستان ... (مهدی پیرزادی) ۶۹

- اسدی، علی اکبر (۱۳۹۶)، سیاست خارجی عربستان سعودی: منابع، اهداف و مسائل، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال بیستم، شماره اول، بهار ۱۳۹۶
- اصلانی مناره بازاری، عماد (۱۳۹۶)، وهابیت مطلوب محمد بن سلمان، ویژگی ها و چالش ها، سایت اندیشکده راهبردی تبیین، بازیابی در <http://tabyincenter.ir/21324/>
- بیگ علی زاده، بهروز (۱۳۹۳)، آینده تولید نفت در عربستان سعودی و تاثیرات ژئوپلیتیک آن، ماهنامه علمی - ترویجی اکتشاف و تولید نفت و گاز، شماره ۱۱۹ / دی ماه ۱۳
- عطایی، فرهاد، منصوری مقدم، محمد (۱۳۹۲)، تبارشناسی سیاست خارجی عربستان سعودی، راهبردی واقع گرایانه بر بستری هویتی، فصلنامه روابط خارجی، سال پنجم شماره اول
- فرهنگی، محمد رضا (۱۳۹۰)، انقلاب فن آوری در تولید نفت خام محبوس در سنگ های رستی امریکا، ماهنامه علمی - ترویجی اکتشاف و تولید نفت و گاز، شماره ۸۲، شهریور ماه ۱۳۹۰
- کوبالکوا، وندولکا (۱۳۹۵)، سیاست خارجی در جهان بر ساخته، مترجم میر محمدی مهدی، خسروی علیرضا، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۹۵
- گلی، محمد (۱۳۹۶)، محمد بن سلمان: تفکرات اصلاح گرایانه و چالش های پیش رو، اندیشکده راهبردی تبیین، بازیابی در <http://tabyincenter.ir/20071/>
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۴)، احیای حوزه تحلیل سیاست خارجی: تحلیلی چند متغیره، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال دهم، شماره سوم، تابستان ۹۴، صص ۱۳۹ تا ۱۶۹
- مصلی نژاد، عباس (۱۳۹۵)، سیاست گذاری موازنه منطقه ای در روابط ایران و عربستان، فصلنامه سیاست، دوره ۴۶، شماره ۴، زمستان ۹۵، صص ۱۰۶۷ تا ۱۰۸۷
- ونت، الکساندر (۱۳۸۴)، نظریه اجتماعی سیاست بین الملل. ترجمه: حمیرا مشیرزاده، دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل وزارت امور خارجه، تهران.
- هادیان، ناصر (۱۳۸۲)، سازه انگاری از روابط بین الملل تا سیاست خارجی، فصلنامه سیاست خارجی، سال هفدهم شماره ۴، صص ۹۱۵-۹۵۰.

- Al-Rasheed, Modawi. 2015. "Saudi Arabia's Foreign Policy: Loss without Gain?" In The New Politics of Intervention of Gulf Arab States, LSE Middle East Center, pp. 32 – 40.
- Al-Rasheed, Modawi. 2015. "Saudi Arabia's Foreign Policy: Loss without Gain?" In The New Politics of Intervention of Gulf Arab States, LSE Middle East Center, pp. 32 – 40.
- Ennis, Crystal A. and Momani, Bessma. 2013. "Shaping the Middle East in the Midst of the Arab Uprisings: Turkish and Saudi foreign policy strategies," Third World Quarterly, Vol. 34, No. 6: 1127–114.

- Gause, F. Gregory. November 26, 2013. "Why the Iran Deal Scares Saudi Arabia," The New Yorker, <http://www.newyorker.com/news/news-desk/why-the-iran-deal-scares-saudi-arabia>.
- Guase.f.gregory.2002."The Foreign Policy of Saudi Arabia". In Raymond Hinnebusch and Anoushirvan Ehteshami. Ed. The Foreign Policies of middle east States. London: Lynne Reiner Publishers.
- Hannah, John. August 16, 2016. "Saudi Arabia Strikes Back," Foreign Policy, [http://foreignpolicy.com/2016/08/16/saudi-arabia-strikes-back-3/-](http://foreignpolicy.com/2016/08/16/saudi-arabia-strikes-back-3/)
- Kechichian, Joseph A. 2000. "Saudi Arabia's will to Power". Middle East Policy. Vol. VII. No. 2: pp 47 -60.
- Kinninmont, Jane. February 17, 2016. "Saudi Foreign Policy Is in a State of Flux," Chatham House, the Royal Institute of International Affairs, <https://www.chathamhouse.org/expert/comment/saudi-foreign-policy-state-flux>.
- Korany, Bahgat, Ali E. HillalDessouki and Karen AbulKheir (2010), The Foreign Policies of Arab States:The Challenge of Globalization, Cairo; New York : American University in Cairo Press.
- Sailer, Matthias. January 2016. "Changed Priorities in the Gulf: Saudi Arabia and the Emirates Rethink their Relationship with Egypt," SWP, German Institute for International and Security Affairs.
- Smith, Steve. (2001). Foreign Policy Is What States Make of It: Social Construction and International Relations Theory. In Vandulka Kubalkova,ed., Foreign Policy in a Constructed World. New York and London:M.E. Sharpe. Snyder, R. C., H. W. Bruck and B. Sapin. (2002 [1962]). Foreign P
- Takeyh, Ray and Sabbagh, Hasib J. April 17, 2015. "The New Saudi Foreign Policy," Council on Foreign Relations, <http://www.cfr.org/saudi-arabia/new-saudi-foreign-policy/p36456>.
- VISION 2030 KINGDOM OF SAUDI ARABIA, [www.vision2030.gov.sa](http://www.vision2030.gov.sa)
- Yefet, Adam. 2015. "The Influence of Religious Institutions on the Domestic and Foreign Policies of the Kingdom of Saudi Arabia," International Affairs Review, Vol. XXIII, No. 2.